

لوطی‌گری.

رضا مختاری اصفهانی
محمد رضا جواد یگانه

www.ketab.ir



سرشناسه	مختاری اصفهانی، رضا، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	لوطی‌گری/ رضا مختاری اصفهانی، محمدرضا جوادی یگانه.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات فیزیکی	۲۵۴ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۰۴۷-۸
وضعیت انطباق	فیبا
موضوع	فتو
موضوع	Futuwwa (Islamic social groups)
موضوع	فتوت - ایران - تاریخ
موضوع	Futuwwa (Islamic social groups) - Iran - History
موضوع	فتوت در ادبیات
موضوع	Futuwwa (Islamic social groups) in literature
موضوع	عباران
موضوع	'Ayyārs
شناسه افزوده	جوادی یگانه، محمدرضا، ۱۳۴۸ -
شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده بندی کنگره	BP۲۹۴/م۳۵J۹ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	۲۹۷/۸۵
شماره کتابساز ملی	۴۵/۱۲۶۲



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
مجلس شورای اسلامی ایران

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
نویسنده: رضا مختاری اصفهانی و محمدرضا جوادی یگانه
مجموعه: محمدرضا جوادی یگانه
ویرایش: سیمین سعیده حسینیان، فائزه نجفی، جواد کاظمی دلوئی، از «ویراستاران»
طالع جلد: هاجر قربانی
مفحه: حمید نجانزاده
نوبت چاپ: ۱ - آبان ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۰-۴۷-۸

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹۰، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵، تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳، دورنگار: ۸۸۸۹۱، Email: mashr@icac.ac.ir

فهرست مطالب

۱	 مقدمه
۷	 فصل اول: پیشینه
۲۹	 فصل دوم: لوطی‌گری و سرکشی
۴۳	 فصل سوم: مرام و مسلک لوطی
۶۵	 فصل چهارم: لوطیان و روحانیت
۷۷	 فصل پنجم: لوطیان در اجتماع و سیاست
۱۱۵	 فصل ششم: لوطیان در انقلاب مشروطه؛ از حاشیه تا متن
۱۴۳	 فصل هفتم: جاهل‌ها و کلاه‌مخملی‌های دوره پهلوی
۱۷۵	 فصل هشتم: لوطی‌گری در ادبیات داستانی و شعر معاصر
۱۹۷	 فصل نهم: لوطی‌گری در سینما
۲۱۷	 فصل دهم: لوطی‌گری در ایران امروز
۲۲۹	 سخن آخر
۲۳۷	 منابع
۲۵۱	 نمایه

مقدمه

لوطی‌گری بر اندک موضوعی پردامنه است؛ موضوعی که علاوه بر محافل آکادمیک در مباحث ژورنالیستی و سیاسی نیز بدان پرداخته شده است. از همین رو این موضوع وجهی سیاسی یافته و برخی آن را بدون توجه به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی‌اش، همان لمپنیسم برساخته مارکس دانسته و لوطا را به بن‌های جامعه ایرانی پنداشته‌اند. در این باره کتاب‌ها و مقالاتی هم با عنوان لمپن نگاشته شده‌اند که می‌توان به کتاب‌های لمپنیسم از علی‌اکبر اکبریان (۱۳۵۲)، لمپن‌های نهضت مشروطه اثر بهروز دهقانی (بی‌تا) و همچنین در سیاست عصر پهلوی از مجتبی زاده‌محمدی (۱۳۹۲) اشاره کرد. این کتاب‌ها بدون توجه به ریشه‌های تاریخی، نمادگرایی و اندیشگی لوطی‌گری و ارتباط این فرهنگ با حوادث و تحولات پیشینی به تبیین نقش نوپایان و داش‌مشتی‌ها در تاریخ معاصر پرداخته‌اند. چنین آثاری در به روش تحلیل «اثبات‌گرایی» هستند. روشی که غفلت از ارتباط باورها با حیات اجتماعی و واقعیت‌های تاریخی از نتایج منفی آن است. بر این مبنا تحقیقات مبتنی بر اثبات‌گرایی در قالب‌های سیاسی بویژه در تئوری‌های مارکسیستی گرفتار آمده و رهیافت‌هایی نخبه‌گرایانه

دارند. با چنین نگاهی حتی اگر لوطیان در قالب لمپن دیده نشوند، این گروه اجتماعی در قالب غیرواقعی دیگر دیده می‌شوند. چنانچه نادر رزاقی و ولی دین‌پرست در مقاله «نقش تهیدستان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت» با روش اثبات‌گرایی لوطیان را به تهیدستان شهری محدود کرده‌اند. نویسندگان با استفاده از نظریه «نقشه‌های پیرامونی» امانوئل والرشتین، نظریه «اقتصاد جهانی» گیدنز و نظریه «جامعه‌شناسی جنایت» ژان میشل بست سعی کرده‌اند رفتار لوطیان را در دوره مشروطه توصیف و تحلیل کنند. تحلیلی که پیشینه تاریخی رفتار لوطیان را نادیده گرفته و آنان را به رهبری تهیدستان شهری فرومی‌ناهد. در این تحلیل لوطیان «طفیلی» و اقداماتشان بر مبنای غریزه و بیش از آنکه ناشی از ایمان و عقیده باشد، برآیند محرومیت اجتماعی آنان دانسته شده است. (مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۲۷) ولی که لوطیان برآمده از سنت فکری و فرهنگی خاصی بودند. بر مبنای «سین عقبه فرهنگی بود که بعضی از لوطیان بزرگ از طبقات بالای اجتماع مانند تاجر، اعیان و اشراف سر بر آورده بودند. آنان در دوره فاجعه بهاری دارای مشاغل گوناگونی بودند که با تعریف مارکس از لمپن به عنوان «همخوانی و مطابقت ندارد. کارل مارکس و فردریش انگلس برای این بار در کتاب «ایدئولوژی آلمانی»، از اصطلاح لمپن‌پرولتاریا استفاده کردند. از این اصطلاح را در نقد ماکس اشتیرنر در بیان پرولتاریای عادی به‌کار بردند؛ پرولتاریایی که نیرو و توانش به پایان رسیده و به در یوزگی افتاده است. (مارکس و انگلس، ۱۳۷۸: ۲۴۷) مارکس بعدها در کتاب «مبارزات طبقاتی در فرانسه» در بازخوانی حوادث انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه این اصطلاح را تبیین کرد. لمپن پرولتاریا در مقابل پرولتاریای صنعتی قرار داشت که توسط حکومت موقت جمهوری علیه پرولتاریا به خدمت گرفته شد. لمپن پرولتاریا نه طبقه که جماعت است. جماعتی دزد و

تبهکار، بدون شغل و حرفه معین، ولگردانی بی سروپا با مراتب فرهنگی مختلف که قادر به پست‌ترین اعمال جنایی بودند. (مارکس، ۲۰۰۰: ۱۶-۱۷) در حالی که لوطیان در جنبش‌های ملی ایران که با راهبری و همراهی طبقه متوسط بود، در دو سوی جریان موافق و مخالف حضور داشتند. جالب این که بر مبنای همین ویژگی لوطیان، محمد کلهر و شهروز ماشینچی ماهری در مقاله «لمپن‌ها در گذر از مشروطیت به عصر پهلوی اول» با تکیه بر همان روش اثبات‌گرایانه سعی کرده‌اند لوطیان را وابسته به استبداد قاجاری و مخالف مشروطه را لمپن بنامند. ترفیفی که از دقت و صحت برخوردار نیست و با نگاه سیاسی میان لوطیان دربرند کرده است. در حالی که لوطیان با گرایش‌های سیاسی گوناگون از سنت فکری مشترک برخوردار بودند.

با توجه به آنچه گفته شد در بررسی لوطیان و حضور آنان در اجتماع و سیاست ایران بایست از روش اجتماع‌گرایان بهره برد. اجتماع‌گرایان دارای دو رویکرد ایجابی و سلبی هستند. رویکرد ایجابی نگرشی در باب علم اخلاق و فلسفه سالم است که اهمیت روانشناختی، اجتماعی و اخلاقی جوامع را مورد تاکید قرار می‌دهد. در چنین نگرشی داوری‌ها و استدلال‌ها از متن سنت‌ها و برداشت‌های فرهنگی نشأت می‌گیرد. در نگاه اجتماع‌گرایان، در هر جامعه به تبع ای از اجتماعات وجود دارد که هر کدام از مکانیسم تفسیری و فلسفی خاصی، یعنی چرخه تأمل و تفسیر خویشتن به جامعه و جهان، سنت نامیده می‌شود، برخوردارند. سنت مهمترین عنصر برای یک اجتماع است که روایت خاصی از هستی در جهان عرضه می‌کند و صورت‌های گوناگون آن در قالب نهادهای اجتماعی و سیاسی تجسم می‌یابد. سنت‌ها دچار انحطاط و ترقی می‌شوند، ولی هیچ‌گاه از بین نمی‌روند. اگرچه ممکن است در برهه‌ای سنت‌ها به کما بروند، اما در لحظه تاریخی خاصی سر بر آورده و نقش آفرینی می‌کنند. هر سنتی از عقلانیتی برخوردار است

که با خلاقیت‌ها و ابتکاراتی سعی در غلبه بر بحران‌های احتمالی داشته و مانع از فروپاشی خود می‌شود. (عباسی، ۱۳۹۴: ۲۹-۳۰) مک اینتایر از مهمترین نظریه‌پردازان اجتماع‌گرایی است. از نظر او، هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها متأثر از سنتی است که به آن تعلق دارند. این سنت‌ها می‌توانند مذهبی، اقتصادی، سیاسی و ... باشند. سنت همچون پیش‌زمینه‌ای است که فرد به آن تعلق دارد. بنابراین مفاهیم می‌همچون عدالت و غیرت بر حسب سنت‌های تاریخی شکل گرفته و تحول می‌یابد. (همان، ۳۲)

در پژوهش‌های اخیر سعی شده بر مبنای نظریه اجتماع‌گرایان، لوطی‌گری به عنوان یک سنت تاریخی در جامعه ایران نگریسته شود. این سنت تاریخی ریشه در سنت داشته و تحت تأثیر حوادث تاریخی تحول یافته تا به شکل لوطی‌گری در جامعه معاصر ایران نمود یافته است. از آنجا که فتوت از دوران کهن در تاریخ و فرهنگ ایران مورد توجه بوده و قائلان به این مرام اخلاقی نیز متونی به نام «فتوتنامه» نگاشته‌اند، به تداوم این سنت تاریخی در برهه‌های مختلف کمک شده است. سنتی که برای بقای خود به اقتضای شرایط زمان دچار تحول و دگرگونی شد. هسته مرکزی این سنت اما مبتنی بر برخی از اصول اخلاقی و مناسک رفتاری بود. اصول و مناسکی که در دوره‌های با عنوان فتوت شناخته می‌شد و در دوره‌های بعدتر با عنوان لوطی‌گری نام برده می‌شد. لوطی‌گری روایت تداوم و تحول سنت فتوت (جوانمردی) در قالب لوطی‌گری است. این سنت تاریخی در برهه‌های گوناگون حیات خود در اجتماع و سیاست ایران حضور پررنگی داشت و ادبیات رسمی و غیررسمی را تحت الشعاع خود قرار داد. اگرچه در ادبیات رسمی بعضاً با عناوین اراذل و اوباش از لوطیان یاد شده است. لوطی‌گری و لوطیان حتی در دوره مدرن با توجه به حضورش در اجتماع و سیاست، به ادبیات مدرن و رسانه برآمده از مدرنیسم، یعنی سینما نیز

راه یافته است. جالب این که بخش عمده‌ای از فیلم‌های ایرانی که با عنوان فیلم فارسی شناخته می‌شوند، تصویری از زندگی و آداب لوطیان و داش‌مشتی‌ها است. از همین رو نگرش روشنفکران، نخبگان و هنرمندان ایرانی را به لوطی‌گری از خلال قصه‌ها و فیلم‌هایی که در این باره نوشته و تولید شده‌اند، می‌توان دریافت. نگرشی که در بخشی از جامعه روشنفکری که به اپوزیسیون چپ تعلق داشت، بیشتر منفی بود. همین حضور لوطیان در ادبیات و سینمای ایران نشان از غیرقابل انکار بودن این سنت تاریخی دارد. از همین رو در انقلاب اسلامی اگرچه لوطی‌گری در برهه‌ای در بخش‌هایی از اجتماع ایرانی کمرنگ شد، اما پس از پایان دهه اول عمر جمهوری اسلامی، بار دیگر حضوری پررنگ در سبزه‌ها، گوناگون یافت. مداحان و نیروهای شبه‌نظامی وفادار به جمهوری اسلامی مانند انصار حزب‌الله دو شاخصه حیات این سنت تاریخی در جامعه ایران هستند. اگرچه برخی از ناظران بویژه روشنفکران و اپوزیسیون سیاسی از عنوان لمپنیسم برای این حضور پررنگ سنت تاریخی لوطی‌گری استفاده می‌کنند، اما با نگاهی منصفانه می‌توان از تحول منحط گونه لوطی‌گری سخن گفت. تحولی که در تغییرات مدرن و دموکراتیک پس از دهه ۱۳۵۷ ایران می‌تواند این سنت تاریخی را به کما ببرد.

در پژوهش حاضر برای شناخت سنت تاریخی مهمی مانند لوطی‌گری در جامعه ایران به پیشینه آن در برهه‌های گوناگون پرداخته شده و سعی شده رگه‌های آن را در جامعه امروز بازنمایان. البته نکته‌ای است پیش از این، در پژوهش‌هایی به پیوند فتوت با لوطی‌گری اشاره شده است. مهران افشاری در مدخل کتاب «فتوتنامه‌ها و رسائل خاکساریه» (۱۳۸۲) به این تداوم و پیوند پرداخته، اما از چگونگی تحولی که در دوره پس از حمله مغول در فتوت رخ داد و منجر به لوطی‌گری شد، غفلت کرده است. ویلم فلور نیز در مقاله خود راجع

به لوطیان (ایرانیکا، ۲۰۱۰) با وجود ردیابی واژه لوطی در فرهنگ ایرانی، به جهت عدم اشاره به تأثیر تحول فتوت در لوطی گری، این سنت تاریخی را به خوبی واکاوی نکرده است. ونسا مارتین هم در فصلی از کتاب «دوره قاجار» (۲۰۰۵) ضمن اشاره مختصر به پیوند فتوت و لوطی گری، به درستی نقش آفرینی این گروه را در سیاست و اجتماع ایران در مناطق گوناگون بازنمایانده است. در پژوهش حاضر این سعی شده علاوه بر بیان تفاوت های فتوت با تصوف و عیاری در قرن نوزدهم، به پیوند فتوت با تصوف، تشیع، درویشی گری، عیاری و بهارانی، دوره پس از حمله مغول به عنوان منبع لوطی گری پرداخته شود. از همین رو میراث فتوت برای لوطی گری از جمله مباحث مطروحه در کتاب است. همچنین آداب و مسلک لوطیان، ارتباط آنان با فقیهان، نقش آفرینی آنان در حوادث سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر، تأثیر تحول دوره، سوی بر این گروه و لوطیان در ادبیات داستانی و سینمای ایران از دیگر موضوعاتی است که در کتاب به آنها پرداخته شده است.

آنچه در این کتاب فراهم آمده، از همراهی راهزنی های دوستان بسیاری برخوردار بوده است. پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات در تأمین مالی این پژوهش همراهی کرد. جبار رحمانی، داود طایفه کتاب، نکات ارزنده ای را یادآوری کرد. ونسا مارتین و جواد گامیاری از همان ابتدا برای بهتر شدن کار پیشنهادهای ارزشمندی دادند. ابراهیم عباسی و عیسی عبدی در گفت و گوهایی که با آنان داشتیم، مواردی را مطرح کردند که راهگشا بود. بر خود فرض می دانیم لطف و همراهی همه آنان را شکر و سپاس گوئیم.